

درآمدی بر تحقیق در اهداف سوره های قرآن

در سهائی از سوره آل عمران

ترجمه و تحریر از: دکتر سید محمد باقر حجتی

۲

سراسر آیات سوره آل عمران مدنی است و به اتفاق آراء دارای دویست آیه می باشد.

یکی از مشخصات بارز این سوره - که در قریب به پنجاه آیه، یعنی آیه ۱۲۱ تا ۱۶۵ جلب نظر می کند - عبارت است از:

توصیف غزوه احد، وثبت و ضبط رویدادهای مربوط به آن، و ارائه درسها و عبرتها در لابلاي آن.

به دنباله توصیف از غزوه احد، بیان و گزارشی راجع به فضیلت شهادت و منزلت شهداء در پیشگاه پروردگار، ضمن آیاتی جلب نظر می کند، و قضیه و داستانی از غزوه «حمراء الاسد» و دعوت مردم به صبر و ثبات و پایداری نیز طی آیاتی از این سوره مطرح شده است.

در پایان سوره تصویر و تابلوی جالبی از دعاء مؤمنین و استجابات این دعا از سوی پروردگار جهان ترسیم گردیده است.

(۱) وجه تسمیه سوره های قرآن کریم:

در سوره مورد بحث، از «عمران» طی دو آیه ای که نزدیک هم قرار دارند یاد شده است، این دو آیه - که میان آنها فاصله انداخته - عبارتند از:

«ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين. ذرية بعضها من بعض و الله سميع عليم. اذ قالت امرأة عمران رب انسى نذرت لك ما فى بطنى محرراً فتقبل منى انك انت السميع العليم. (آل عمران: ۳۳، ۳۵):

خداوند، آدم ابوالبشر و نوح و آل ابراهيم و آل عمران را بر جهانيان برترى داد، خاندان و دودمانى كه برخى از برخى ديگر نشأت گرفته و باهم داراي پيوند و ارتباط بودند، و خداوند، شنواى دانا است: آنگاه كه همسر عمران اظهار كرد: پروردگارا آنچه در شكم و رحم دارم نذر تو كرده‌ام كه به عنوان خدمتگزار خانه تو انجام وظيفه كند، پس اين نذر را از من بپذير كه تو شنواى دانائى.

عمران كيست؟

گروهى از مفسران برآنند: عمران در آل عمران - كه اين سوره بدان نامبردار است - عبارت از عمران، پدر موسى مى‌باشد؛ لكن بهتر آن است كه بگوئيم: وي، عمران، پدر مريم (سلام الله عليها) است؛ و طبق گفته روات و مورخين ميان ايندو عمران، فاصله زمانى دور و درازى وجود دارد.

وقتي نامهاى سوره‌هاى قرآن كريم را مورد مطالعه و بررسى قرار مى‌دهيم اين نامها به مهمترين و جالبترين موضوعى كه در آن سوره‌ها آمده است اشاره دارد:

★ سوره بقره - به خاطر داستان جالبى كه مربوط به «بقره» است (بقره‌اى كه بنى اسرائيل به ذبح آن مأمور شدند) به اين عنوان نامبردار شد، و قبل از اين بقره و ذبح آن به عنوان راهى براى تشخيص مجرم در حادثه قتلى كه جاني و مجرم ناشناخته بود مورد استفاده حضرت موسى (عليه السلام) و بنى اسرائيل قرار گرفت.

★ سوره مائده از آن جهت بدین نام موسوم گردید؛ چون جریان «مائده»‌اى كه حواريون نزول آنرا از آسمان درخواست كرده بودند در اين سوره آمده است.

★ سوره نساء بدانجهت اين عنوان را احراز كرد؛ چون مهمترين مطلبى كه اين سوره متعرض آن شده است عبارت از احكامى است كه

خداوند متعال از رهگذر آنها به اوضاع و احوال زنان سازمانی داده حقوق آنها را صیانت کرده، و از وارد کردن هرگونه ضرر و آسیب و آزار به آنها پیشگیری نموده است تا این شمار از انسانهای آسیب دیده در طول تاریخ از همه مزایا و مواهب درخورشان بهره مند گردند.

★ سوره انعام چون از «انعام» یعنی دامها و چهارپایان و انواع مهم آن از قبیل شتر و گاو و گوسفند و بز یاد کرده این سمت را به دست آورده است.

★ سوره اعراف از آنجهت که در آن از «اعراف» سخن رفته است بدین عنوان موسوم شد. اعراف در نگاه بسیاری از مفسرین عبارت از موضعی است میان بهشت و دوزخ و مردمی در آن به سر می برند که حسنات و سیئات و اعمال نیک و بد آنها باهم برابر است.

★ سوره انفال از آنرو که متعرض «انفال» یعنی غنائم و کیفیت توزیع آن است با این عنوان نامگذاری شده است.

★ سوره توبه چون از قبول توبه مؤمنین و آن چند نفری که از شرکت در غزوه «تبوک» تقاعد و تخلف ورزیده بودند یاد کرده به همین نام موسوم گردید.

★ سوره یونس از آنجهت که ضمن آن از یونس و ایمان همگی مردم آن قریه و آبادی که یونس در آن به سر می برد سخن به میان آورده این عنوان را برای خود احراز کرده است.

★ سوره هود از آنجا که از هود و رسالت و مأموریت او در رابطه با قومش گفتگو کرده است این عنوان را برای خود یافت، خداوند متعال طی همین سوره می فرماید:

«والی عاد اناهم هوداً قال یا قوم اعبدوا الله مالکم من الة غیره ان انتم

الامفرون» (هود: ۵۰):

وبه سوی قوم «عاد» برادرشان هود را گسیل داشتیم، او می گفت: ای قوم من! خدای را پرستش کنید که شمارا جز او معبودی دگر شایسته پرستش نیست؛ شما صرفاً افتراجو و دروغ آورانی بیش نیستید.

در این سوره - به دنبال هم، از رسالتها و مأموریت‌های آسمانی صالح به سوی قوم ثمود، و رسالت شعیب به سوی قوم مدین، و رسالت‌های ابراهیم و لوط و موسی به سوی اقوام و گروه‌هایشان سخن رفته است.

★ سوره یوسف تقریباً سراسر آن به داستان یوسف - از آغاز تا انجامش - پیوند خورده و اکثر قریب به تمام آیات آن در ارتباط با داستان او است.

★ و بدینسان می‌بینیم اساس و ملاک عمده نامگذاری سوره‌ها عبارت از مهمترین موضوعی است که در آن سوره‌ها آمده، و یا عبارت از جالبترین و نمودارترین مسأله‌ای است که در آن سوره‌ها مطرح می‌باشد.

★ آنگاه که به سوره سوم قرآن کریم، یعنی سوره «آل عمران» مراجعه می‌کنیم، و آغاز تا پایان آنرا از نظر می‌گذرانیم مطلب جالب و یا مهمی - که به ویژه مربوط به موسی و هارون (علیهما السلام) باشد - در آن نمی‌بینیم؛ لکن نمودارترین و چشمگیرترین ابعاد و جهات این سوره عبارت از يك گزارش مبسوط و گسترده‌ای است که به عیسی (علیه السلام) و مادر او ارتباط دارد. همین نکته است که ما را بر آن می‌دارد موافقت خود را با رأی و نظریه پاره‌ای از مفسرین اعلام کنیم مبنی بر اینکه «عمران» - که ضمن این سوره از او یاد شده است - عبارت از «عمران» پدر مریم است نه «عمران» پدر موسی و هارون (علیهما السلام).

پس سوره «آل عمران» یادآور طبقات و رده‌هایی از انسانها است که خداوند متعال آنها را از میان جامعه بشری گزین و انتخاب کرده است، و اینان عبارتند از: آدم، نوح، آل ابراهیم، و آل عمران.

هدف این است که انتخاب و اصطفاء عیسی (علیه السلام) و مادرش، به سان انتخاب دیگران نیست. خداوند متعال در اینجا هشدار می‌دهد: خوارق عادات و حوادث شگفت‌آور و معجزاتی که به دست عیسی (علیه السلام) ظهور کرد و مردم آنرا دلیل بر نبوت و یا الوهیت و یا حلول خداوند در او تصور کرده‌اند نباید آنها را جز به عنوان اثری از آثار تکریم الهی به چیز دیگری تلقی کرد، یعنی سنت الهی در جهان بر این اصل قرار گرفته است که این آثار و پدیده‌های خارق‌العاده به دست انبیاء و مرسلین ظاهر گردد.

مطلبی که این حقیقت را تأیید می کند آن است که خداوند متعال انتخاب آل عمران را بدین صورت گزارش می فرماید::

«... والله سمیع علیم. اذ قالت امرأة عمران انی نذرت لك مافی بطنی محرراً...»

و درباره انتخاب و اصطفاء مریم (سلام الله علیها) می فرماید:
«اذ قالت الملائكة یا مریم ان الله اصطفاك وطهرك واصطفاك علی نساء العالمین» (آل عمران : ۴۲):

و آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند - بدون تردید - ترا برگزیده و ترا پاکیزه ساخته و با گزینش تو از میان جامعه، ترا بر تمام زنان جهان به ویژه سرافراز ساخته است.

و بدین صورت می بینیم انتخاب آل عمران به گونه ای مجمل و فشرده در آغاز این سوره - ضمن یاد کردن از کسانی که خداوند آنها را گزین کرده است - مطرح شده، و آنگاه انتخاب و گزینش مریم از میان همه زنان عالم و ویژگی او مورد گفتگو قرار گرفته است.

سرانجام پس از گذر بر این مطالب نتیجه می گیریم، عمران در سوره «آل عمران» عبارت از پدر مریم (سلام الله علیها) می باشد، و پدر موسی و هارون که او هم «عمران» نام داشت در این سوره مورد نظر نیست.

۲) اهداف و مقاصد سوره آن عمران :

همانطور که اشاره شد، سراسر آیات سوره «آل عمران» مدنی است، اما نباید آنرا از سوره های نخستینی دانست که در مدینه نازل شدند؛ چرا که این سوره پس از گذر مدتی طولانی - که مسلمین طی این مدت در مدینه به سر بردند - نازل گردید. طی همین مدت طولانی بود که رویدادهای مربوط به فتح و پیروزی و یا هزیمت و شکست مسلمین دگرگونی مطلوب در حالاتشان به ارمغان آورده، و اوضاع را متحول ساخت. مسلمین آشکارا با اهل کتاب حشر و نشر داشتند و میان آنها در زمینه دعوت اسلامی و احکام و تعالیم اسلام منازعات و احتجاجاتی جریان یافت.

در سوره آل عمران - همانطور که در آغاز امر یادآوری شد - از غزوات «بدر»، «احد»، و «حراءالاسد» و «بدر اخیر» که در شعبان

سال چهارم هجری روی داد سخن رفته است. سوره مزبور پس از سوره انفال نازل گردید، و در سوره انفال از «بدر» نیز گفتگو شده است. پس از آن سوره احزاب نازل شد و می‌دانیم وقعه مربوط به احزاب به سال پنجم هجری می‌پیوندد.

اهتمام و عنایت این سوره به دو امر بزرگ و مهم.

وقتی سوره آل عمران را تلاوت می‌کنیم می‌بینیم به دو امر بزرگ و مهم و اساسی عنایت و اهتمام دارد:

۱- بیان حق و حقیقت درباره جهان بزرگ هستی که شامل مسأله الوهیت و انزال کتب و مسائل مربوط به آن، از قبیل: وحی و رسالت و وحدت دین از دیدگاه الهی می‌باشد.

۲- بیان و گزارش علت و سببی که مردم به خاطر آن - در هر زمان و مکان - از توجه به معرفت و عمل بر طبق ادراک و دریافته‌شان نسبت به حق و تمسک به آن، دچار غفلت و انحراف می‌شوند.

امر اول - مسأله الوهیت و بیان سخن حق درباره آن :

سوره آل عمران، سخن خود را با تقریر و گزارش این امر آغاز می‌کند؛ یعنی در این سوره از وحدانیت خداوند متعال سخن رفته است و تذکر می‌دهد که خداوند: *خالق علم انسانی*
- تنها وجود زنده و پایداری است که مرگ و فناء به او راه ندارد.

- قیومی است که دارای هیمنه و تدبیر و کارسازی و قیام به شؤون آفریدگان بوده، و از رهگذر ایجاد و هستی بخشیدن، و تربیت جسمانی و عقلانی، و اکرام و اعزاز و یا اذلال و خوارسازی آنان، بندگانش را تحت سرپرستی می‌گیرد، و علم و آگاهی محیط و فراگیر و بی‌کران، و قدرت نافذ و قاهر او، راه را برای چنین تعهد و سرپرستی هموار ساخته است:

★ «الله لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق مصدقاً لما بين يديه وانزل التوراة والانجيل من قبل هدى للناس و انزل الفرقان»
(آل عمران: ۲، ۳):

خداوند متعال [معبودی است به حق و] جز او که زنده پاینده است هیچ معبودی دگر در خور پرستش نیست. خدائی که این چنین کتاب را به حق بر تو نازل کرده است، کتابی که کتابهای پیش روی خود، یعنی تورات و انجیل را تصدیق و تأیید می کند. خدا برای هدایت مردم تورات و انجیل را از پیش نازل کرد و نیز فرقان، یعنی قرآن کریم را.

★ «ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم»
(آل عمران: ۶، ۵):

مسلماً چیزی در زمین و آسمان بر خداوند پوشیده نیست. او است که شما را در رحم مادرانتان به هر صورتی که اراده کند شکل و فرم می دهد، معبودی جز او - که توانمند فرزانه است - سزای پرستش نیست.

★ «قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تدل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير. تولج الليل في النهار و تولج النهار في الليل و تخرج الحي من الميت و تخرج الميت من الحي و ترزق من تشاء بغير حساب»

(آل عمران: ۲۶، ۲۷):

بگو: بار خدایا! خدائی که زمام همه حکومتها در دست تو است، تو هر که را بخواهی حکومت می دهی، و از هر که بخواهی حکومت را می ستانی، هر که را بخواهی عزت و قدرت می دهی، و هر که را بخواهی به خاک ذلت می نشانی، تمام خیر و خوبی به دست تو است و مسلماً تو بر هر چیز توانائی. شب را به درون روز می ببری و روز را به درون شب راه می دهی، زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده، و هر که را بخواهی - بی دریغ و بی حساب - روزی می رسانی.

سوره آل عمران این امر نخست را در بیش از امثال اینگونه آیات تقریر و گزارش می کند، آنگاه از انتخاب الهی که در میان خلق صورت گرفته است گفتگو می نماید: «رسلا مبشرين و منذرين»، افرادی به عنوان رسولان و پیامبران الهی از میان مردم گزین می گردند، رسولانی که نسبت به وظائف عمده و اساسی خود - که از سوی خداوند مکلف به اجراء آنها بودند - آشنائی داشتند، این وظائف اساسی عبارت

بود از دعوت مردم به حق، و اینکه پیامبران الهی خردمندتر و فرزانه‌تر از آن هستند که به مردم بگویند ما را به عنوان خدایان خود انتخاب کرده، و ما را «آلهة» خود بدانید.

«ما کان لبشر ان یؤتیه الله الکتاب والحکم والنبوة ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله و لکن کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الکتاب وبما کنتم تدرسون» (آل عمران: ۷۹):

برای هیچ بشری زیبنده نیست که خدا به او کتاب و حکم و داوری و فرزاندگی و نبوت عطاء کند، آنگاه [مدعی خدائی گردد و...] به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید؛ بلکه سزا است بگوید: چون شما دست‌اندر کار آهوش و بررسی کتاب خدا بوده‌اید باید مردمی الهی و بنده خدای یگانه باشید. خداوند متعال از پیامبران مرسل خود پیمان گرفت - در رابطه با حق و دعوت مردم به حق - همدیگر را تأیید نمایند، و نیز پیامبر قبلی را پیامبر بعدی مورد تصدیق و تأیید قرار دهد:

«واذا خذله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به ولتنصرنه قال أأفررتم واخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقرنا قال فاشهدوا وانامعکم من الشاهدین» (آل عمران: ۸۱):

وزمانی را به یاد آور که خداوند از پیامبران [و پیروان آنها] پیمان گرفت - که چون کتاب و حکمت در اختیار شما قراردهم، و آنگاه پیامبری مرسل و مأمور به تبلیغ به سوی شما آید، پیامبری که ره‌آورد الهی شما را تأیید می‌کند - باید به او ایمان آورده و او را از یاری خویش بهره‌مند سازید. خدا پس از انعقاد این پیمان فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و چنین میثاق مؤکد را پذیرا هستید؟ این پیامبران گفتند: آری اقرار نمودیم. گفت: پس گواه باشید و من هم در این گواهی باشم همراه و همصدا هستیم. این همان پیمانی است که عیسی (علیه‌السلام) از آن پاسداری و بدان وفا کرد، و در برابر سؤال پروردگارش در روز رستاخیز با مضامین همین پیمان پاسخ خواهد داد، و همین عیسی مسیح (علیه‌السلام) از کسانی که او را مورد پرستش قرار داده بودند، و وی را به عنوان اله و معبود خود اتخاذ کردند تبری و بیزاری خواهد جست:

«واذ قال الله يا عيسى بن مريم أأنت قلت للناس اتخذوني وامی الهین من دون الله قال سبحانك ما یكون لی ان اقول ما لیس لی بحق ان كنت قلت له فقد علمته تعلم ما نفسی ولا اعلم ما فی نفسک انک انت غلام الغیوب. ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله ربی وربکم...» (مائده: ۱۱۶، ۱۱۷):

ویاد آور دورانى باش که خداوند متعال فرمود: ای عیسی پسر مریم! آیا تو، به مردم گفتی: من و مادرم را به جای خدا به عنوان «اله» و معبود خویش برگزید؟ عیسی گفت: خدایا تو از این سخن منزهی مرا نزیید سخنی بر زبان آورم که اندر خور و سزاوار من نیست، اگر چنین سخنی گفته بودم تحقیقاً تو آنرا می دانی، تو آنچه در درونم جریان دارد می دانی، لکن من از آنچه در سر و نهان تو است چیزی نمی دانم. این تو هستی که به همه امور نهانی کاملاً دانا و آگاه می باشی. من به این مردم جز آنچه تو مرا بدون فرمان دادی - مبنی بر اینکه خدائی را که پروردگار من و پروردگار شما است پرستش کنید - سخنی دگر بر زبان نیاوردم...

۳) وحدت دین از دیدگاه خداوند متعال :

سوره آل عمران مسأله «وحدت دین» را از دیدگاه الهی بیانگر است. چنانکه این حقیقت به زبان همه فرستادگان خدا مکرر گوشزد شده است:

«نزل عليك الكتاب بالحق» (آل عمران: ۳):

خداوند - به حق - کتاب و نامه الهی را بر تو فرو فرستاد.

«قل آمنّا بالله وما انزل علينا و ما انزل علی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و النبیون من ربهم لانفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون» (آل عمران: ۸۴):

ای پیامبر! بگو به خدا و آنچه بر ما و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شد و به آنچه به موسی و عیسی و پیامبران - از جانب پروردگارشان - رسید ایمان آورده ایم و ما میان هیچیک از آنها فرق نمی گذاریم [بلکه میان همه آنها وحدت و همبستگی احساس می کنیم] و ما در برابر خدا تسلیم هستیم.

در همین سوره توضیح داده شد که این همان دینی است که از پیشگاه خداوند به ما اعلام شده است، و اینکه اگر کسی جز این دین، آئینی دیگر را پی جوئی کند هرگز مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت:

«ومن یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین»
(آل عمران: ۸۵):

و هر کس آئینی جز اسلام را جويا گردد و گزین نماید هرگز از وی پذیرفته نخواهد شد، و همو در آخرت از زیانکاران خواهد بود. آنگاه از سوره آل عمران توجه خود را به سوی کسانی معطوف می سازد که سایه شوم بدبختی و تیره روزی بر سر آنها گسترده شده، و با خدا در رابطه بادین و آئینش به محاربه و ستیز می پرداختند و روی از فرستادگانش برمی تافتند، و حق را - علیرغم وضوح و روشنی - مستبعد تلقی کرده و مورد انکار قرار می دادند.

لذا این سوره بسیاری از انواع گمراهی و الوان متنوع شبهه های این حق ستیزان را متذکر می گردد که می کوشیدند از رهگذر این شبهه ها و افکار به بیراهه افتاده، کانون تجمع و تشکل خود را تقویت کرده، و به سائقه کینه و حسد و سودای ارتجاع مسلمین به دوران جاهلیت اندیشه هائی را در سر پیرووراندند. اینان در این جهت به هیچوجه طالب حق و پویای حقیقت نبوده اند.

۴) افراطیون و گزافه اندیشان درباره مقام و موضع عیسی (علیه السلام):

سوره آل عمران جماعتی از مسرفین و گزافه اندیشان را - که درباره شأن و مقام عیسی (علیه السلام) دچار غلو و تجاوز از حد شدند - یاد می کند، جماعتی که بر این پندار بودند: عیسی (علیه السلام) خدا، یا پسر خدا، و یا کسی است که خدا در او حلول کرده است. این سوره یادآور می شود: عیسی به مدد قدرت الهی آفریده شده و پدیده ای از صنع الهی است و مخلوقی بیش نیست، و آفرینش عیسای مسیح (علیه السلام) باین کیفیت برای این است تا او معجزه و دلیلی گویا بر تفرّد و وحدانیت خداوند در الوهیتش باشد. خدا آدم ابوالبشر (علیه السلام) را بدون پدر و مادر آفرید، آنگاه حواء را از پدري - منهای مادر - خلق کرد، و آنگاه

عیسی (علیه السلام) را از مادری - منهای پدر - آفریده است. درباره خلقت عیسی در همین سوره آمده است:

«ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون» (آل عمران: ۵۹):

محققاً قضیه آفرینش عیسی در واقع و در پیشگاه خداوند متعال همانند خلقت آدم ابوالبشر است که او را از خاک آفرید، آنگاه فرمان پدید آمدن آدم را صادر کرد، و آدم به عالم هستی درآمد.

علیهذا ظهور معجزات و خوارق عادات یکی از سنتهای الهی در آفرینش به شمار می رود:

★ خداوند متعال یحیی (علیه السلام) را به زکریا ارزانی داشت و با وجود اینکه زکریا سالخورده بود، و مادر یحیی در سنین یأس و ناامیدی از تولید نسل به سر می برد فرشتگان مژده تولد یحیی را به زکریا ابلاغ کردند؛ و چون زکریا سالخورده و نومید از داشتن فرزند بود بعد از این بشارت سخت متعجب گشت؛ اما خداوند متعال این حادثه را به مشیت خویش ارجاع داده و آنرا به عنوان خواست ویژه خود معرفی فرمود:

«كذلك الله يفعل مايشاء» (آل عمران: ۴۰):

خداوند متعال بدینسان آنچه را که مشیت و اراده اش اقتضاء کند به انجام می رساند.

★ وضع عیسی (علیه السلام) - که بدون داشتن پدر زاده شد - همانند وضع یحیی (علیه السلام) می باشد؛ چون می دانیم فرشتگان به مادر عیسی، تولد عیسی را - که ره آورد امر الهی بود - مژده دادند؛ اما مریم (سلام الله علیها) چون شوهر نداشت از این بشارت متعجب گشت:

«قالت انی یکون لی غلام ولم یمسنی بشر» (آل عمران: ۴۷):

مریم (سلام الله علیها) گفت: مرا کجا فرزندی باشد؛ در حالیکه دست هیچ بشری مرا لمس نکرده [یعنی شوهری اختیار نکردم و یا اساساً هیچ مردی با من نیامیخته است]؟!؟

خداوند متعال این جریان غیرعادی را به مشیت خود ارجاع داده و آنرا مربوط به خواست ویژه خویش معرفی فرمود:

«قال كذلك الله يخلق ما يشاء اذا قضى امراً فانما يقول له كن فيكون»
(آل عمران: ۴۷):

فرمود: بدینسان خداوند آنچه بخواهد می آفریند، آنگاه که چون چیزی را مقدر کند راجع به آن فرمان هستی صادر می نماید و آن چیز موجود می گردد.

آنگاه سوره آل عمران متعرض این نکته می شود: خوارق عادات و معجزاتی که به دست عیسی (علیه السلام) پدید آمد باید آنها را صرفاً از سنن الهی بر شمرد که در جهت تأیید رسولان خود، آنها را در میان مردم جاری ساخت مبنی بر اینکه این رسولان و فرستادگان از زمره بندگان خدا هستند و خداوند کتاب و حکمت را به آنها تعلیم داده، و عیسی (علیه السلام) را نیز همراه با آیات و نشانه هائی - که نمایانگر حقانیت او بوده است - به سوی بنی اسرائیل گسیل داشت. خداوند متعال در قرآن کریم این مطلب را از زبان عیسی (علیه السلام) یاد می کند که وی به مردم می گفت:

«انی اخلق لكم من الطين كهيئة الطير فانفخ فيه فيكون طيراً باذن الله وابرىء الاكمه والابرص واحيي الموتى باذن الله وانبئكم بما تاكلون وما تدخرون في بيوتكم ان في ذلك لآية لكم ان كنتم مؤمنين و مصدقاً لما بين يدي من التوراة ولاحل لكم بعض الذي حرم عليكم و جئتكم باية من ربكم فاتقوا الله واطيعون ان الله ربي و ربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم» (آل عمران: ۴۹-۵۱):

من از گل چیزی به شکل پرنده می سازم و در آن می دمم و به فرمان خدا مرغی پرنده گردد. شب کور و یا کور مادرزاد و مبتلایان به بیماری برص و پیبسی را بهبود می بخشم، و به اذن خدا مردگان را زنده کنم و از آنچه می خورید و در خانه های خود ذخیره می سازید شمارا خبر کنم، مسلماً اگر از اهل ایمان باشید در این امور نشانه ای برای شما در جهت صدق نبوت و وجود دارد. و توراتی را - که پیش از من نازل گشت - تصدیق

و تأیید می کنیم، و آمده ام تا پاره های از آنچه - که بر اثر ظلم و گناه بر شما تحریم شد - حلال بر شمارم، و از سوی پروردگارتان نشانه ای برای شما آوردم. بنابراین تقوای الهی را درپیش گیرید و از من فرمان برید. خدای متعال پروردگار من و شما است، پس او را پرستش کنید که این، راهی است راست.

امر دوم - علل انصراف و غفلت مردم از حق :

هدف و مقصد دوم سوره آل عمران، تشریح و تحلیل علل و عوامل انصراف مردم از حق، و گزارش علل و اسباب آن عاملی است که بر عقول و افکار مردم چیره، و بردلهای آنان مستولی می گردد، و آنانرا از گوش فرادادن به حق و توجه و التفات به آن روی گردان می سازد.

سوره آل عمران توضیح می دهد که این علل عبارت از غرور و فریفته شدن مردم به مال و فرزند، جاه و مقام، و منصب و سلطه و اقتدارشان می باشد، آنان بر این پندار بودند که اگر به منادی دعوت جدید پاسخ مثبت دهند و بدو ایمان آورند، جاه و اقتدارشان در معرض خطر قرار گرفته و دچار تزلزل می گردد، و تصور می نمودند که چون از اموال و ثروت و اهل و عیال و اقوام و عشیره بهره های کافی در اختیار دارند از این دعوت بی نیاز هستند، و خیال می کردند، علت بهره مندی آنان از مزایای یاد شده از قابلیت و شایستگی آنها ریشه می گیرد، یعنی تصور می نمودند چون مردمی صالح و شایسته اند خداوند امتیازات و مزایای یاد شده را نصیب آنان ساخت، و نیز باورشون آمد که این وضع برای آنان پایدار می ماند، و ایمان و کفر اثری در آن ندارد.

قرآن کریم در موارد زیادی این افکار موهوم و خرافی و پندارهای فساد آفرین و پریشانگر چنین مردمی را گزارش فرموده است، افکار و اندیشه های که شمار فراوانی از مردم را مغرور ساخته و آنانرا در بیراهه و گمراهی سوق داده و چشم بصیرت آنانرا از کار انداخته است؛ خداوند متعال می فرماید:

«ودخل جنة و هو ظالم لنفسه قال ما اظن ان تبید هذه ابدًا وما ظن الساعة قائمة، ولئن رددت الي ربي لاجدن خيراً منها منقلباً (كهف: ۳۵، ۳۶):

کافر - در حالیکه با کفر و عصیان، بر خویشتن ستم رانده است - وارد باغ وبوستانش شد و گفت: تصور نمی‌کنم این بوستان [و یا این دنیا] هرگز از میان برود، و نیز تصور نمی‌کنم لحظه وقوع قیامت - طبق گفته خداپرستان - فرارسد. و اگر قیامت و زنده شدن پس از مرگ واقعیت داشته باشد و من به‌چنین‌روزی بازگردم و زنده شوم قطعاً بهتر از این باغ وبوستان را خواهم یافت و فرجامی بهتر در انتظارم خواهد بود.

و نیز می‌فرماید:

«ان قارون كان من قوم موسى فبغى عليهم و اتيناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوء بالعصبة اولى القوة اذ قال له قومه لاتفرح ان الله لا يحب الفرحين. وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة ولاتنس نصيبك من الدنيا واحسن كما احسن الله اليك ولا تبغ الفساد فى الارض ان الله لا يحب المفسدين. قال انما اوتيته على علم عندى اولم يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من هو اشد منه قوة واکثر جمعاً ولا یستل عن ذنوبهم المجرمون» (قصص ۷۶-۸۰) :

قارون از بنی اسرائیل [و پسر خاله موسی (علیه السلام)] بود و به خاطر ثروت زیاد دچار فزون‌طلبی و تمرد گشت، و چندان گنج و ثروت در اختیار او قرار دادیم که حمل کلیدهای خزائن او برای گروه نیرومند و مردان زورمند سنگین بود. قوم و پیروانش به او گفتند: به این دارائی خود در این جهان شادمان مباش که خداوند شادمانان به این جهان را دوست نمی‌دارد، و از رهگذر ثروتی که خداوند در اختیار تو قرار داده است جویای سعادت و رفاه جهانی دیگر باش، و بهره خود را در آن جهان - که باید آن را از این جهان فراهم آوری - از دست مده، و برای فساد و تبهکاری در زمین تکاپو مکن که خداوند تبهکاران را دوست نمی‌دارد. قارون گفت: آنچه از ثروت در اختیار من قرار دارد درخور علمی است که از آن برخوردارم. او مگر نمی‌داند که خداوند متعال گروهائی را پیش از او نابود ساخت که از وی نیرومندتر بوده‌اند، و مجرمین بدون سؤال و بازخواست وارد دوزخ خواهند شد.

بر همین اساس - که خداوند متعال در طی بسیاری از آیات قرآن کریم ما را فراسوی این اساس رهنمون ساخته - سوره آل عمران به سوی آن روی آورده و یادآور می گردد که همین سبب و عاملی که جباران عالم آنرا از یکدیگر به ارت می برند منشاء همه فسادها است. به عبارت دیگر: سوره آل عمران ما را به این حقیقت واقف می سازد که حب جاه و علاقه به مال و غرور و فریب خوردگی به متاع دنیا علت لعل همه فسادها و بدبختیها است؛ و ایندوامر، یعنی مالدوستی و غرور است که مردم را از «حیات طیبه» و زندگانی خوش و پاکیزه و مطبوع بیگانه و محروم می گرداند، و میان مردم و ایمان صادق و اعتقاد راستین جدائی برقرار می سازد. خداوند متعال در این باره می فرماید:

«ان الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً
واولئک هم وقود النار» (آل عمران: ۱۰۷):

محققاً مردمی که آیات خدا را مورد تکذیب و انکار قرار دادند، اموال و اولادشان آنرا به هیچ وجه از خدا و ایمان به او بی نیاز نمی سازد، این کفرمداران هیزمها و سنگهای آتشزنه و افروزنده دوزخ هستند که باید خود بسوزند و دیگران را نیز بسوزانند.

سزا است که مسرفین و گزافه جویان و فزون طلبان در هر دوره و زمان، و هر منطقه و مکانی متوجه باشند اموالی را - که در جهت لذات و کامروائیها و شهوات و تمایلات هوس آلود، و بسط سلطه و اقتدارشان، نابحق صرف می نمایند - ناگزیر پایان کار و فرجام آن از فساد اخلاق و تباهی افکارشان سربر آورده، و سازمان تمدنی را که بنیاد کردند و کاخ شکوهمند فرهنگ و معارفی که آنرا برافراشتند از بیخ و بن ویران می کنند. و همانگاه که سوره آل عمران آثار سوء و فرجام دردناک و ناخوش آیند حب مال و غرور به متاع دنیا را مطرح می کند می بینیم در رابطه با حب مال و دل بستگی به مظاهر زندگانی مادی، آنگونه که سزا است و در خور انسان و به حق می باشد حقایقی را ارائه می نماید و می گوید: این حب و دل بستگی یک امر فطری است که طبع بشر بدان سرشته شده است؛ لکن این علاقه و دل بستگی، مقصد عالی و هدف نهائی زندگانی دنیا را تشکیل نمی دهد؛ بلکه دل بستگی به این کالاهای و مزایای زندگانی مادی را باید صرفاً به عنوان بهانه و وسیله سرگرم کننده و زیوری تلقی کرد که

انسان را به زندگانی امیدوار می‌سازد، و همین دل بستگی اگر در يك مجرای صحیح و معقول قرار گیرد می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای دست یافتن به بهره‌ای جاوید در روزگاری جاویدان مورد استفاده قرار گیرد.

«زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطر المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والحرف ذلك متاع الحیوة الدنيا والله عنده حسن المآب. قل أُوْنبئکم بخیر من ذلكم للذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدين فیها وازواج مطهرة ورضوان من الله والله بصیر بالعباد» (آل عمران: ۱۴، ۱۵):

تمایل و علاقه به امور مادی و شهوانی برای مردم دنیا پرست و کوتاه نظر، زیبا جلوه داده شده است، این علاقه و دل بستگی نسبت به اموری است که عبارتند از: زنان، فرزندان، کیسه‌ها و همیانه‌های آکنده از زر و سیم، اسبها و مرکبهای خوش‌آب و رنگ و نشاندار، چهارپایان، محصولات زراعی و زمینهای کشاورزی. اینها کالای کامرانی مردم در زندگی دنیا است؛ اما فرجام نیک و پایدار و لذت واقعی را باید نزد خدا جستجو کرد. ای پیامبر! بگو: آیا می‌خواهید شمارا به کالا و بهره‌ای بهتر از این کالای دنیوی آگاه سازم: که این کالای والا در پیشگاه پروردگار متعال برای مردمی منظور شده است که راه تقوی را در زندگانی پیش گرفته‌اند؟ و آن عبارت از بوستانهائی است که از زیر آنها نهرها جاری است که اهل تقوی جاودانه در آن به سر خواهند برد. و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند بهره‌ا اهل تقوی در روز قیامت است و خداوند به حال بندگان خود بینا است که هر کسی در خور چگونه پاداشی می‌باشد.

سپس سوره آل عمران، همین گروه - یعنی مردمی را که راه تقوی در پیش گرفته و روند آنان؛ چنان پاداشهای عظیمی را نصیب آنان ساخت - بدینگونه توصیف می‌کند: آنان همان مردمی هستند که حق را بازیافته و شناسائی کرده، و اموالی را که خداوند متعال در اختیارشان قرار داده در راه خدا انفاق نموده، و در برابر بلايا و محنتهائی - که موجب افسردگی خاطر آنها گردیده است - صبر و استقامت و توازن را از دست ندادند، و به مدد توبه و استغفار، راه بازگشت به خدا را فراسوی خود هموار ساختند:

«الذین یقولون ربنا اننا آمنّا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار. الصابرين والصادقين والقانتین والمنفقین والمستغفرین بالاسحار» (آل عمران: ۱۶، ۱۷):

متقین و پرهیزکاران عبارت از مرده‌ی هستند که می‌گویند: پروردگارا! ما به‌تو فرستادگان و کتابهای تو ایمان آوردیم، پس از گناهان ما چشم‌پوشی کن و ما را از عذاب آتش و دوزخ حفظ نما. این پرهیزکاران مردمانی شکیب‌دربرابر ناگواریه‌ها، و راستگو در ایمان و مطیع فرمان خدا، و اهل انفاق در راه خدا و جویای آمرزش الهی در سحر گاهان می‌باشند.

۵) جلوه شکوه و عظمت قرآن در طرز تربیت مؤمنین:

سوره آل عمران تصویر زنده و گویائی از زندگانی امت اسلامی را - که در مدینه به‌سر می‌بردند - برای ما ترسیم می‌کند، یعنی ترسیم‌کننده آن بخش از زندگانی مسلمین است که این بخش از سال دوم هجری پس از جنگ بدر آغاز می‌گردد و به پس از غزوه احد در سال سوم هجری منتهی می‌شود. و نیز این سوره، بیانگر مناسبات و جریانهای گوناگون دیگری است که طی این مدت کوتاه در زندگانی مسلمانان مدینه جلب نظر می‌کرد. همچنین این سوره گزارش می‌کند: قرآن کریم در کنار حوادث مربوط به این دوره برای تحقق چنین نحوه‌ای از زندگانی مؤثر بوده و اینکه این حوادث از یکسو، و این نحوه زندگانی از سوی دیگر در یکدیگر اثر گذاشته و نیز ابعاد این فعل و انفعال را که جهات مختلف زندگانی آنها را در این فترت زمانی دگرگونه کرده گزارش می‌کند.

همچنین این سوره، اسناد و مآخذی از قدرت و توان مسلمین را ارائه می‌نماید که ضمن آنها دورنمایی از طرز زندگانی جامعه اسلامی مدینه و سیمای ارتباطات و مناسباتی را که زندگانی مسلمانان مدینه بر اساس آنها سازمان یافته بود برای ما مجسم می‌کند.

قرآن کریم برای آن نازل گشت که با دسیسه‌ها و ترفندهای نیرنگ - کاران رویاروی شده، و شبهه‌ها و افتراها را از میان برده، و گامها را در صراط مستقیم استوار ساخته، و افکار و احساسها و عواطف را در طریق صحیح توجیه نماید. این کتاب آسمانی حادثه‌ها را دنبال می‌کند تا از درون

آنها عبرت و اندرز را بیرون کشیده و آنرا خاطر نشان سازد، و نظریه و مبنای ویژه‌ای را پی‌ریزی می‌کند و پرده‌های اوهام و پندارهای خرافی را از چهره افکار و اندیشه‌های مردم به یکسو نهد، و جامعه اسلامی را از دشمنان غدار و نیرنگ کینه‌توزان مکار بر حذر دارد، و همانند راهبری راه آشنا و آگاه به فطرت و سرشت انسانی، گامهای مسلمین را در میان خارهای خنده و سنگ‌های مخفی توطئه‌ها بیاید، و آنانرا از مکنونات و اندیشه‌های پنهان دشمنان آگاه سازد.

آنگاه که ما قرائت سوره آل عمران و داستان بدر و احد را در این سوره برای باری دگر اعاده می‌کنیم و به دوباره نگری آن می‌پردازیم به این نکته می‌رسیم: قرآن کریم کتاب مدونی است که می‌تواند برای هر زمان و مکان، نامه دعوتی برای انسانها و دستور العمل مسلمین در رابطه با هر نسل و نژاد، و راهنمای بشر در طول همه قرن‌ها باشد؛ چرا که قرآن کریم آخرین خطاب الهی به انسان برای همه اعصار است.

در این فترت زمانی - که سوره آل عمران در طی آن نازل شد - جمعیت مسلمانان مدینه تا اندازه‌ای در موطن و میهن جدید خود، یعنی «مدینه الرسول» استقرار یافتند و غزوه «بدر» در همین ایام روی داد، و خداوند متعال غلبه و پیروزی مسلمین را بر مشرکین قریش مقرر فرمود. این پیروزی که همراه با اوضاع و شرائط و امکانات و مناسباتی به دست آمد بارقه‌هایی از اعجاز و خرق عادت، یعنی جریان‌هایی فراتر از معمول در آن جلب نظر می‌کرد. به همین جهت عبدالله بن ابی سلول - که از بزرگان خزرج به شمار می‌رفت - ناگزیر گشت از قلعه کبریائی و عرش نخوت خویش فرود آید، و علیرغم تنفر شدیدش از دین جدید و کینه نسبت به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از فرازمندی و خود بزرگی بینی دست نهاده و بغض و حسدش را نسبت به آنحضرت مخفی نگاه دارد، و با ماسک و نقاب نفاق در زمره مسلمین جا خوش کند. همو بود که می‌گفت: «هذا امر قد توجه»، منظورش این بود که فقط يك راه باقی مانده است که باید ناگزیر آنرا طی کرد، و هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی این سیر و حرکت را بگیرد [و ناچار باید به ظاهر، خود را با رنگ اسلامی بیاراید].

بدین‌طریق بذر نفاق در مدینه پدید آمده و افشانده شد و روبه رشد و رویش نهاد و به‌بر و میوه‌های تلخ بارور گردید. منافقانی امثال عبدالله بن ابی برای خود هم‌پیمانانی تهیه دیدند که طبیعتاً دست دوستی را به‌طرف آنها دراز کردند. این هم‌پیمانان عبارت از یهودیانی بودند که به‌سان منافقین و یا شدیدتر از آنها در دل خود نسبت به‌اسلام و مسلمین احساس حقد و حسد و دشمنی می‌نمودند.

لذا قرآن کریم نازل شد تا حقیقت الوهیت و توحید در عبادت را گزارش کرده و سخن نهائی را درباره‌ی رسالت و نبوت اعلام نماید، آنگاه آن عامل وانگیزه‌ای را - که دیدگان مردم را از بینش حق فلج ساخته و از کار انداخته بود - خاطر نشان سازد، عامل و انگیزه‌ای که می‌توان آنرا در غرور به‌مال و فرزند خلاصه کرد.

بیش از نیمی از سوره‌ی آل‌عمران به‌توضیح این دو هدف - یعنی توضیح الوهیت و بیان علت و عامل انحراف و انحراف مردم از حق - اختصاص دارد.

سپس سوره‌ی آل‌عمران توجه و التفات خود را به‌سوی جماعت اهل ایمان معطوف می‌سازد که حق و حقیقت آنرا کنار هم گرد آورده، و براساس رحمت و مهر و رأفت نسبت به‌مردم می‌اندیشیدند تا از دسیسه‌های منافقین و چاره‌اندیشیهای مکارانه‌ی پاره‌گرایان و طرفندهای یهودیان و مشرکین بر حذر مانند.

این سوره به‌مؤمنین یادآور می‌شود که همواره به‌صورت برادرانی دوستدار یکدیگر و همیار هم زیست کنند، و چنگ به‌ریسمان الهی انداخته و بایبوند اخوت و مودت همبستگی یابند، و پای‌بند اداء وظیفه‌ی مربوط به‌امر به‌معروف و نهی از منکر باشند تا وحدت و همبستگی آنان برخوردار از استمرار و تداوم بوده و حکومتشان پایدار بماند.

خداوند متعال به‌مؤمنین چنین هشدار می‌دهد:

«یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الكتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین» (آل‌عمران: ۱۰۰):

ای مؤمنین! اگر به‌فرمان و دستور دسته‌ای از اهل کتاب گردن

نهیید و به توصیه آنها عمل کنید، شمارا پس از ایمانتان به کفر و انکار حق رجعت خواهند داد.

ویا فرمود:

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون
واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۲، ۱۰۳) :

ای مؤمنین! تقوای الهی را آنچنان که شاید و باید رعایت کنید و مبادا بی آنکه مسلمان باشید از دنیا بروید. و همگی به ریسمان خدا چنگ اندازید و از هم نپرا کنید.

۶) قرآن کریم - یا - کتاب وجود وهستی، و نامه خلود و جاودانگی:

این قرآن، سند مکتوب دعوت اسلامی است که جان و روح وانگیزه این دعوت از چنین سندی مایه می گیرد، و قوام و پایداری و بقاء این دعوت بر چنین سندی متکی و مبتنی است. آری نوشتار الهی، پاسدار و نگهبان و ترجمان و گزارشگر و دستورالعمل و سرمشق دعوت و رسالت اسلامی است. سرانجام می توان گفت: قرآن کریم یگانه مرجعی است که دعوت اسلامی - در تهیه و تمهید دست افزار فعالیت و در شناخت روشهای تحرك و نهضت، و راه توشه خود - از آن استمداد می کند.

لکن باید هشدار داد: اگر ما این اندیشه را در خود احساس نکنیم که مخاطب قرآن کریم عبارت از يك امت و جامعه‌ای زنده و پویا هست؛ جامعه‌ای که دارای وجود حقیقی است، و يك سلسله جریانها و حوادث واقعی از رهگذر قرآن در کیفیت زندگانی این جامعه و نیز زندگانی انسانی در کره خاکی جهت و روند ویژه‌ای را پدید آورده، و در سایه این کتاب آسمانی در درون و روان انسانی و نیز در قسمتی از کره زمین دگرگونی و نبرد و پیکار متراکمی روی داده، پیکار و تلاطمی که با تطورات و تحولات و اثر پذیریه‌ها و انعطاف و واکنشها توأم بوده، آری اگر ما راجع به قرآن از چنین احساسی برخوردار نباشیم باید بگوئیم میان ما و قرآن کریم يك شکاف عمیق و جدائی و بیگانگی غیر قابل جبران وجود دارد که باید آنرا با چنان احساسی ترمیم و جبران کنیم.

و نیز تا وقتی که ما قرآن کریم را صرفاً - اگرچه با ترتیل، ولی عاری از درنگ و اندیشه در مضامین آن، و بدون التزام و تقید به محتوایش - قرائت می‌کنیم و یا با چنین حالت آمیخته بابتفاوتی بدان گوش فرا می‌دهیم آنهم به‌گونه‌ای که میان قرآن کریم و واقعیت‌های زندگانی کنونی خود هیچگونه پیوند و خویشاوندی احساس ننمائیم، یعنی با آنگونه زندگانی که انسان و جامعه اسلامی هم‌اکنون با آن روبرو است، آری در چنین شرائطی که ما فقط به‌خواندن و نوشتن قرآن کریم بسنده می‌کنیم باید گفت: میان دل‌های ما و قرآن کریم يك دیوار ضخیمی وجود دارد که دیدگان بصیرت ما را از بینش درون و ژرفای حقایق قرآن محروم خواهد ساخت، درحالی‌که آیات قرآن کریم باین هدف نازل گردید که با جریانات درونی ما و مسائل و حوادث زنده - که از عینیت و واقعیت خارجی برخوردار است - رویاروی شده و عملاً این جریانات درونی ما و مسائل و حوادث را به‌صورت زنده و واقعی توجیه و راهبری کرده است و بازده آن عبارت از پدیده‌ای است که در زندگانی انسانها به‌وضع گسترده و در طرز زندگانی امت اسلامی با رنگ خاصی جلوه‌گر است.

اعجاز بارز و پدیدار و خارق‌العاده بودن قرآن کریم را باید در این نکته جستجو کرد که این کتاب آسمانی - برای مواجهه و رویارویی باین واقعیت و عینیت خاصی در کیفیت زندگانی امت و جامعه ویژه‌ای - نازل گردید که این نزول فترتی از تاریخ و مدت محدودی از زمان را به‌خود اختصاص داده بود، و این امت را در هنگامه عظیمی فروبرد که تاریخ زندگانی امت اسلامی و جامعه انسانی را بر روی هم متحول و دگرگون ساخت. معیناً قرآن کریم با قامتی رسا در راستای رویارویی و معارضه ایستاده و توانسته است در مواجهه خود با زندگانی معاصر نیز به‌پای خیزد و با نظاره و گوشه‌چشم خود به جامعه اسلامی - در رابطه باشئون زندگانیشان - بنگرد و در زمینه درگیریهای سخت آنها با دشمنان آنها را بیاید و در هنگامه و آشوبهای درونی و وجدانشان باهمان سیمای زنده و بیدارگر خود به‌آنان توجهی مبذول داشته و از کیان آنان صیانت کند.

راستی اگر کسی درباره خورشید بگوید: «این يك مهر و اختری کهنه و ارتجاعی است که سزا است يك ستاره جدید و پیشرفته‌ای جایگزین آن گردد»، و یا بگوید: «این انسان يك پدیده و آفریده

کهنه و ارتجاعی است و باید يك موجود دیگری که مترقی و پیشرفته‌تر است به‌جای آن قرار گیرد تا کرهٔ خاکی سروسامانی یابد»، آیا چنین سخنانی مضحك و احمقانه نیست؟ اگر اینگونه سخنان؛ مضحك و نابخردانه است باید گفت چنین سخنی در رابطه با قرآن کریم - که آخرین سخن خدای علیم در خطاب به انسان است - مضحك‌تر و احمقانه‌تر است که مثلاً بگوئیم: قرآن، کتابی است کهنه و ارتجاعی و باید به کتابی نوین و پیشرفته‌تر مبدل شود و جای آنرا کتاب دیگری بگیرد!!.

قرآن کریم - که هرگز کهنه و فرسوده نمی‌شود و سستی بدان راه نمی‌یابد - در درون جوامع اسلامی زیسته و به‌حیات نوین و برنایی و شادابی خود ادامه می‌دهد و دست امت اسلامی را گام به‌گام به‌دست گرفته و با آنها در سیر و حرکت همراهی کرده است، امتی که در این حرکت‌افتان و خیزان بوده، و یا به‌بیراهه می‌افتاد و یا در صراط مستقیم قرار می‌گرفت، و یا دچار فتور و سستی گشته و سرانجام به‌پای می‌خواست، و متألّم و رنجور می‌گشت و از پی آن، درد و رنج را تحمل می‌کرد، و برنردبان بلند با کندی و دشواری و با آمیزهٔ صبر و استقامت بالا می‌رفت که تمام‌ویژگیهای انسان و همهٔ صفات انسانی و تمام جوانب ضعف و مجموع تاب و توان او را متجلی می‌ساخت. این اوضاع و شرائط در میان جامعهٔ اسلامی تحت راهبری قرآن کریم ادامه خواهد یافت تا آنجا که نقائص و نواقص از میان رفته و انسان در ظل رهنمودهای این کتاب آسمانی به‌نقطهٔ اوج کمال خود برسد.

قرآن کریم پیروزی مسلمین در جنگ بدر، و شکست آنها در جنگ احد را تعقیب کرده و آنرا به‌بررسی و تحلیل می‌گیرد؛ لذا این کتاب آسمانی و الهی را می‌توان استاد و راهبری در تربیت و تنظیم رفتار مسلمین برشمرد که به‌آنها اعلام می‌کند فتح و پیروزی از جانب خدا است و سلاح و رزم افزار این پیروزی عبارت از ایمان و اقامهٔ نماز و دادن زکوة و اتکاء به‌خداوند و اعتماد به‌او و عمل و کردار پاک و پاکیزه از شوائب و آلائشهای مادی است.

از پی شکست مسلمین در جنگ احد، قرآن کریم از آسیب دیدن مسلمین افسرده است، و رنجهای جراحات رزمندگان را لمس می‌کند، و خاطر نشان می‌نماید که روزگار این‌رو و آن‌رو می‌شود، گاهی طبق دلخواه و گاهی نیز برخلاف دلخواه با انسان مواجه می‌گردد.

در سوره آل عمران دعوت و درخواستهای مکرری دیده می شود که مردم را به صبر و تحمل آلام و رنجها و حفظ ثغور و مرزبانی در بلاد اسلامی فرا می خواند و شرف و ارزش شهادت و عظمت و شکوه پاداش مجاهدان راه خدا و اجر و ثواب صابران را گوشزد می کند و می فرماید:

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون. فرحين بما آتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزنون. يستبشرون بنعمة من الله وفضل وان الله لا يضيع اجر المؤمنين» (آل عمران: ۱۶۹-۱۷۱):

و کسانی را - که در راه خدا کشته شده اند - مرده مپندارید؛ بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان از روزی بهره مند هستند، آنان به نعمتی که خداوند به آنها ارزانی داشته است شادمانند، و به کسانی که پس از ایشان به آنان نپیوستند مزده می دهند که نه ترسی بر آنها است و نه اندوهی. آنان به نعمت و تفضلی از جانب خدا مستبشرنند و در شادمانی به سر می برند؛ چرا که خداوند پاداش افراد با ایمان را ضایع نمی گرداند.

۷) درسها و عبرتهائی از غزوة احد :

همانطور که کراراً اشاره کردیم سوره آل عمران به دو هدف مهم و اساسی اهتمام و عنایت دارد که سخن درباره این دو هدف، نیمه نخست این سوره را در اختیار خود گرفته است: یکی از آنها عبارت از مسألة الوهیت و صدق ایمان، و دیگری مغرور نشدن به زخارف و تمتعات دنیا است.

در نیمه دوم این سوره يك سلسله دروس عملی درباره اسرار فتح و پیروزی در جنگ بدر، و رموز شکست در جنگ احد را ملاحظه می کنیم. این سوره نظر مسلمین را به واقعه بدر و کیفیت و رمز پیروزی آنان در این واقعه جلب می کند که علیرغم قلت نفرات سپاه و ضعف مالی و اقتصادی، و عدم آمادگی کافی، و کثرت نفرات دشمن و قدرت شگرف اقتصادی و آمادگی کافی آنها، به مدد و نیروی ایمان و سلاح صبر و تقوی بردشمن پیروز شدند. لذا می فرماید:

«ولقد نصرکم الله بدر و انتم اذلة فانقوا الله لعلکم تشکرون. اذ

تقول للمؤمنين ان يكفيكم ان يمدكم ربكم بثلاثة آلاف من الملائكة منزلين. بلى ان تصبروا و تتقوا و يأتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة آلاف من الملائكة مسومين. وما جعله الله الا بشري لكم ولتطمئن قلوبكم وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم» (آل عمران: ۱۲۳-۱۲۶):

بی تردید، خداوند متعال شمارا در جنگ بدر یاری داد آنهم در حالیکه شما احساس ضعف و خواری می کردید، بنابراین تقوای الهی را در پیش بگیرید تا سپاس نعمت او را به جای آورید. آن لحظه‌ای را به خاطر آور که به مؤمنان می گفتی آیا اینکه پروردگارتان سه هزار فرشته را برای یاری شما فرستاد هرگز برای تأمین نیاز شما کافی نیست. آری اگر صبر و استقامت کنید و پرهیزکاری را پیشه خود سازید و دشمن به سرعت بر شما یورش آورد، همو شما را با پنج هزار فرشته با نامو نشان یاری خواهد داد، و این امداد را خداوند صرفاً به منظور بشارت پیروزی شما مقرر فرمود، و نیز بدین منظور که به او دلگرم شده و آرام بگیرید، پیروزی جز از پیشگاه خدای متعال از رهگذر هیچ نیروی دیگری امکان پذیر نیست.

سوره آل عمران توجه مسلمین را به واقعه اسفانگیز و دردناک غزوه احد جلب می کند، مسلمین در این جنگ به نیروهای مادی و کثرت نفرات تکیه کردند، و سهمی ناچیز از زخارف دنیا دیدگان پاره‌ای از آنها را خیره ساخت، و شماری از آنها برای دست یافتن به غنائم جنگی تعهد و وظیفه خود را در طی لحظاتی کوتاه فراموش کردند، و به علت مخالفت تعدادی از تیراندازان شکاف «عینین» از دستور فرمانده خود - که فرمان او فرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود - سپاه اسلام شکست خورد. در همین جنگ بود که مشرکین - برای اینکه روحیه سپاه اسلام را متزلزل سازند - پیایی بانگ برمی آوردند که محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] کشته شد. این بانگهای یاوه موجب تزلزل روحیه شمار بسیاری از مؤمنین گشت، و نیز باعث شد گروهی از منافقین نیات پلید خود را آشکار سازند.

سورة آل عمران در این باره می فرماید:

«ولقد صدقكم الله وعده اذ تحسونهم باذنه حتى اذا فشلتم وتنازعتم في الامر و عصيتم من بعد ما اراكم ما تحبون منكم من يريد الدنيا و منكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم لببتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل على المؤمنين» (آل عمران: ۱۵۲):

خداوند متعال به وعده خود وفا کرد و شما در جنگ بدر و نیز در آغاز جنگ احد دشمنان را به فرمان پروردگار خود به قتل می رساندید و حس آنها را از کار می انداختید، و این پیروزی ادامه داشت تا آنکه سست شدید و در کار جنگ به کشمکش پرداختید، و پس از آنکه به پیروزی رسیدید و به آنچه دلخواه شما بود نائل آمدید از دستور فرمانده سربرتافتید، برخی از شما در پی دنیا، و بعضی از شما در پی پاداش اخروی به نبرد سرگرم بودید، آنگاه خداوند شما را از آسیب رسانی دشمنانتان منصرف و غافل ساخت بدین منظور که شما را بیازماید. و البته خداوند شما را مشمول عفو قرارداد، و خداوند نسبت به مؤمنین بافضل و گذشت رفتار می کند. و نیز می فرماید:

«وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئاً وسيجزي الله الشاكرين. وما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتاباً مؤجلاً و من يرد ثواب الدنيا نؤته منها و من يرد ثواب الآخرة نؤته منها و سنجرى الشاكرين. و كآين من نبى قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما اصابهم في سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله يحب الصابرين. وما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين. فاتاهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الآخرة والله يحب المحسنين» (آل عمران: ۱۴۴-۱۴۸):

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط فرستاده خدا است که تحقیقاً فرستادگانی پیش از او بودند، آیا اگر او از دنیا برود و یا کشته شود شما به عقب و قهقرا برمی گردید و دچار ارتجاع به دوره جاهلیت می شوید، و هر کس به چنین ارتجاعی گرفتار شود هیچگونه ضرر و گزندى به خدا نمی رساند و خداوند متعال جزای نيك را نصیب سپاسداران نعمتش خواهد ساخت.

هیچکس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، و مرگ یک سرنوشت حساب شده و معین می‌باشد. و کسی که خواهان پاداش دنیا باشد ما آنرا در اختیار او قرار خواهیم داد و اگر کسی جویای پاداش آخرت باشد این پاداش را نصیب او خواهیم ساخت و ما سپاسگزاران را از پاداش خود برخوردار خواهیم کرد. چه بسیار از پیامبرانی که خداشناسان فراوانی همراه آنها در جنگ و نبرد شرکت داشتند و در برابر مصائبی که در راه خدا به آنها می‌رسید سست و ناتوان و درمانده نشدند، و خدا پایمردان و اهل صبر و استقامت را دوست می‌دارد. سخنان آنها فقط این بود که می‌گفتند: پروردگارا! از گناهان ما در گذر، و از اسراف و فزونجوئی و تجاوز ما از میزان اعتدال - که در کار ما روی داده - چشم‌پوشی کن، و گامهای ما را استوار دار، و ما را بر کافران پیروز گردان. خداوند هم پاداش دنیا و هم پاداش آخرت را به آن عطاء کرد، و خداوند افراد درست‌کردار و نیکوکار را دوست می‌دارد.

آنگاه سوره مورد بحث روشنگر این حقیقت است که بر حسب معمول و عادت، طرفداران حق از سوی هواداران باطل با زخم‌زبان و توهین و نیز عملاً آزار می‌بینند. وظیفه مؤمنین این است که در برابر این آزارها و گزندها صبر و استقامت را در پیش گیرند و احساس ضعف و سستی نکنند. خداوند متعال می‌فرماید:

«لتبلون فی اموالکم و انفسکم و لتسمعن من الدین اوتوا الكتاب من قبلکم و من الدین اشرکوا اذی کثیراً وان تصبروا و تتقوا فان ذلك من عزم الامور» (آل عمران: ۱۸۶):

به‌طور قطع شما در رابطه با اموال و جانهایتان مورد آزمایش قرار خواهید گرفت، و از سوی کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی در اختیارشان قرار گرفت و نیز از سوی مشرکین زخم‌زبان و سخنان‌آزارنده به گوش شما خواهد رسید، در چنین شرائطی اگر صبر و استقامت کنید و تقوی را در پیش گیرید بهتر و متناسب با هدف شما در پیروزی می‌باشد؛ چرا که صبر و تقوی نشانه عزم و اراده نیرومند است که قهراً به پیروزی بارور می‌گردد.

سوره آل عمران - پس از گذر بر این حقایق و خاطر نشان کردن آنها - با تذکر دو امر مهم به پایان می‌رسد:

امر اول - ترسیم و نقشه پردازی آن راهی است که انسان از رهگذر آن به معرفت حق، وایمان به آن توفیق می یابد، خداوند متعال در این باره می فرماید:

«ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب. الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم ویتنفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار» (آل عمران: ۱۹۰، ۱۹۱):

به درستی در آفرینش آسمانها و زمین و پی آمد شب و روز، برای ارباب خرد آیات و نشانه هائی برای معرفت حقیقت است، خردمندانی که ایستاده و نشسته و نیز در حالیکه بر پهلوهای خود آرمیده اند خدای را یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [واز جان و دل می گویند]: پروردگارا! این پدیده ها را بیهوده نیافریده ای، تو از هر عیب و نقص منزهی، لذا از تو می خواهیم که ما را از گزند آتش دوزخ حفظ فرمائی.

امر دوم - نصیحت و موعظه ای است که اگر هرامت و جامعه ای بدان پای بند باشد قطعاً از پایداری و تعالی و سرافرازی برخوردار می شود؛ لکن اگر جامعه ای از این نصیحت بهره ای نبرده باشد قطعاً به ضعف و انحطاط و عقب افتادگی دچار گشته و از این آثار سوء ضربه و آسیب می بیند، و ناگزیر باید از فرومایگی و نگوئبختی استقبال کند، این نصیحت در آخرین آیه سوره آل عمران چهره می گشاید، آنجا که خداوند متعال می فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران: ۲۰۰):

ای مؤمنین! صبر و شکیبائی پیشه خود سازید، و در برابر دشمنان استقامت ورزید، و مرزبانی کنید [واز حدود و ثغور بلاد اسلامی پاسداری نمائید]، و پرهیزکار باشید که پی آمد اداء این رسالتها رستگاری شما است.

۸) جریان سنتهای الهی، و شمول و فراگیری قوانین او در جهان:

مسلمین در غزوه بدر - به سال دوم هجری - با حداقل مجاهدت

و بذل مال و جان و کمترین تلفات و نیز نفراتی اندک، به پیروزی کامل و چشمگیر و درخشانی نائل آمدند. این سپاهیان معدود - در حالیکه از آمادگی و سلاح کافی برخوردار نبودند - عازم نبرد با کفار شدند، و با سپاه عظیم قریش که با نفرات زیاد و سلاح کافی و مجهز و دارای آمادگی جالبی بودند رویاروی گشتند. مدت نبرد و پیکار این دو سپاه چندان نیابید که به پیروزی خیره کننده مسلمین بارور شد.

این فتح و پیروزی که به دنبال رویارویی «جندالله» و سپاه الهی با لشکر کفر نصیب مسلمین شد نمایانگر بارقه‌ای از قدرت الهی بود که ما هم اکنون می‌توانیم به زاویه‌های از حکمت آن واقف و آگاه گردیم شاید این پیروزی برای تثبیت دعوت نوحاسته و تأثیر روانی آن، و بلکه برای اثبات وجود عملی این دعوت با محک جنگ و پیکار بوده تا این دعوت از آن پس راه و رسم خود را برای موفقیت شناسائی کرده و مسلمین از این راه و رسم پیروی کنند.

اما مسلمین گویا بر این باور بودند که فتح و پیروزی آنان يك جریان طبیعی است که نباید در انتظار پی‌آمدی جز آن باشند؛ و می‌پنداشتند که در هر حال برای آنها فتح و پیروزی يك امر ضروری و حتمی است که در هر شرائطی نصیب آنها خواهد شد. آنها چنین می‌اندیشیدند: مگر نه این است که مسلمان هستند، و دشمنان آنها از گروه کفر تشکیل یافته؛ لذا فتح و پیروزی در هر برخوردی که میان آنها و کفار روی می‌دهد - از آن مسلمین خواهد بود!؟

اما باید دانست که سنت الهی - چه در فتح و پیروزی چه در هزیمت و شکست - تا این پایه از بساطت و سادگی نیست. این سنت در رابطه با فتح و پیروزی دارای مقتضیات و شرائطی است که باید آنها را در تربیت افراد ویژه، و تنظیم صفوف و فراهم آوردن نفرات کافی، و پیروی از يك سنت و راه و رسم صحیح، و پای بند بودن به قانون طاعت و فرمانبرداری، و نظام و سازمان خاص، و بیداری و هشیاری در برابر خلعانها و وسوسه‌های درونی، و جنبش و تحرك در عرصه نبرد و حزم و احتیاط نسبت به دشمن جستجو کرد. این حقیقت عبارت از همان نکته‌ای بود که خداوند متعال خواست از راه شکست مسلمین در جنگ احد به آنها اعلام کند و به آنان هشدار دهد. این اعلام و هشدار در سوره آل عمران به نحو زنده و مؤثر

و عمیق مطرح شده است. در این سوره علل و عوامل شکست - که عبارت از تطاول و دست‌یازی و اهتمام‌پارهای از سپاه اسلام به حطام دنیوی و منافع مادی بود - دقیقاً اعلام گشت، و در لابلای این هشدار آن توصیه‌ها و اندرزهایی که در سازندگی شخصیت و سازمان‌دهی صفوف سپاهیان اسلام و هماهنگی آنها مؤثر بوده، بیانهای بیدارگری مطرح شده است.

وقتی ما غزوهٔ احد را بازرسی می‌کنیم، به‌دوباره نگری آن روی می‌آوریم می‌بینیم تعلیم چنین درسی به‌مسلمین، با بها و قیمت سنگینی تمام شد، و بیم و هراسی زیاد در دل‌های مسلمین ایجاد کرد، و مجروحان و شهیدانی را - که همهٔ آنها از عزیزترین افراد وزبده‌ترین رجال اسلام به‌شمار می‌رفتند، (و حمزهٔ «سیدالشهداء» در رأس آنها قرار داشت) - برای جامعهٔ اسلامی به‌ارمغان آورده و بر آنها تحمیل کرد، و حتی فاجعهٔ عظیم دیگری را - که از همهٔ این مصائب و آسیب‌ها دردناک‌تر بود - به‌بار آورد؛ و آن این بود که مسلمین دیدند در این جنگ پیشانی پیامبر محبوب آنها از هم دریده شد، دندان مبارکش شکست و در میان حفره و گودالی سقوط کرد، و حلقه‌های کلاه‌خودش در چهرهٔ مبارکش خلیده و فرورفته است. این مصیبت و فاجعه از دیدگاه سپاهیان اسلام با هیچ فاجعه و مصیبتی قابل قیاس نبود؛ چراکه هیچ آسیبی در نظر آنها از آن سخت‌تر نبود که می‌دیدند پیامبر عزیزشان بدان وضع دچار آمد.

گزارش غزوهٔ احد و رویدادهای مربوط به آن - که در سورهٔ آل‌عمران آمده است - مسبق به‌آیات پرارزشی است که همهٔ آنها ارائه‌کننده روش‌های متنوعی برای تصفیه و پالایش اندیشهٔ اسلامی از هر شائبه و آلودگی می‌باشد، و همچنین اثبات‌کنندهٔ حقیقت توحید به‌گونه‌ای آشکار و عاری از هر گونه ابهام، و نیز رد شبهه‌هایی است که یهود و نصاری آنها را به‌مسلمین القاء می‌کردند، اعم از شبهه‌هایی که از انحراف آنان در معتقداتشان نشأت می‌گرفت، و یا دانسته و خواسته برای گمراه ساختن مسلمین شبهاتی را در میان آنها نشر می‌کردند، شبهاتی آمیخته با مکر و ترفند که می‌خواستند از رهگذر القاء آنها در میان مسلمین، سنگر عقیدهٔ آنها را درهم کوبیده و رشتهٔ ارتباط و همبستگی صفوف آنان را از هم گسیخته سازند.

شماری از روایات یادآور این نکته به ما هستند که آیات یکم تا هشتاد و سوم سوره آل عمران در خطاب و گفتگوی بانصارای «نجران» نازل شده است، نصرائی که در سال نهم هجری وارد مدینه شدند.

ولی باید متذکر شویم: بعید به نظر می‌رسد سال نهم هجری سال نزول این آیات باشد؛ چرا که از فضای مضامین این آیات برمی‌آید نزول آنها در اوائل هجرت روی داده است؛ زیرا از این آیات استفاده می‌شود که جامعه اسلامی هنگام نزول آنها امتی تازه به پا خاسته بوده و موجودیت و روند آنها - در برابر دسائس و ترفندهای یهودیان و معاندان دیگر - آسیب پذیر می‌نمود، و ما اعم از اینکه روایات یاد شده را - که حاکی از نزول آیات مذکور درباره نصارای نجران می‌باشد - درست و یانادرست بدانیم باید بپذیریم این آیات با شبهات نصاری - و به ویژه باشبهاتی که به عیسی (علیه السلام) مربوط است - رویاروی می‌باشد و بر محور عقیده خالص در توحید جریان دارد، عقیده‌ای که اسلام بیانگر آن است و در طی این آیات عقیده انحرافی نصاری را تصحیح می‌کند و شوائب و ناخالصی‌ها را از چهره اعتقادات آنها پالایش و تصفیه می‌نماید، و آنانرا به حق و یگانه پرستی - که کتب اصلی و تحریف نشده آنان بازگوکننده آن است - فرامی‌خواند، و قرآن کریم نیز این کتب دست‌نخورده و تحریف نشده آسمانی را مورد تصدیق و تأیید قرار می‌دهد.

از رهگذر مراجعه به نص آیات قرآنی برای هر فرد مسلمان این حقیقت جلب نظر می‌کند که قرآن کریم کتاب زندگی است و می‌تواند اوضاع و شرائط زندگانی را به وجه مطلوبی برای مسلمین تصحیح کرده و نادرستی‌ها را از افکار و اندیشه‌هایشان بیرون راند، و با عقائد پوشالی و نادرست دیگران به مناقشه و انتقاد پرداخته، و مسلمین را از نیرنگ دشمنان و وساوس آنان حفظ و صیانت کند.

آیات اوائل سوره آل عمران به ما می‌آموزد که قرآن کریم برای مسلمین خوان گسترده‌ای است که فراسوی آنها نهاده شده، و دلیل و راهبر سرگشته‌ها و به بیراهه افتاده‌ها، و رحمت و امید گمراهان، و راهنمای هدایت جویان می‌باشد. این نوشتار آسمانی نوری درخشان و روشنگر حق، و رکن و استوانه‌ای استوار، و نمایانگر صراط مستقیم زندگانی است،

آنهم به گونه ای که اگر کسی هدایت را از غیر قرآن جویا گردد، خداوند متعال گمراهی و سرگردانی را برای او پیش می آورد و او را از صراط مستقیم و راه و رسم صحیح زندگانی می لغزاند.

۹) روش قرآن کریم در ساختن عقیده و دفاع و حمایت از آن:

کسی که سوره آل عمران را تلاوت می کند این حقیقت را در برابر خود می یابد که دشمنان اسلام و امت اسلامی با آنها در عرصه های متعددی به جنگ و ستیز برخاستند که یکی از آنها نبرد در عرصه کارزار و جنگهای معمولی و متداول، و دیگری جنگ و پیکار در عرصه تفکر و ایمان بوده مبنی بر اینکه دشمنان اسلام برای ایجاد شك و تردید در عقیده مسلمین و سست کردن ایمان آنها کوشش خود را به کار گرفته بودند؛ زیرا دشمنان گهین و دیرینه اسلام - به سان دشمنان کنونی - کاملاً معتقد بودند جز از راه شك و تردید در مبانی اسلام و ایجاد تزلزل و سستی در ارکان ایمان مسلمین نمی توانند در آنها نفوذ کنند، و می دانستند که این امت دچار ضعف و سستی نمی شوند مگر آنگاه که در عقیده و ایمان آنها ضعف و سستی راه یابد، و تا وقتی که روح ایمانی بر سر آنها سایه گسترده است و تا آن زمان که نیروی ایمان آنها دچار هزیمت و شکست نگردد امتی شکست ناپذیر هستند، و تا گاهی که چنگ به آویزه ایمان دارند و بر پایه های استوار عقیده متکی می باشند، و همگام با تعالیم و مبانی اسلامی سیر می کنند، و پرچم اسلام را در دست دارند، و همبستگی خود را با اسلام حفظ نموده و بدان می بالند، و فقط زیر سایه اسلام و ایمان احساس عزت و سرافرازی می کنند به هیچ وجه نمی توان به سوی آنها دست یازی کرده و سودای طمع ربودن افکار و غارت ثروت های آنانرا در سر پیوراراند.

با توجه به نکات یاد شده کاملاً باز می یابیم خطرناکترین و ویران ساز - ترین دشمنان امت اسلامی همان عواملی است که بنیاد عقائد آنها را سست و متزلزل ساخته و آنانرا از روش و راه و رسم الهی منحرف کرده و موجب می گردد که چهره واقعی دشمنان خود و اغراض پلید و اهداف دوردست و دراز مدت آنها را شناسائی نکنند.

جنگ و درگیری میان امت اسلامی و دشمنانش - قبل از هر چیز -

عبارت از پیکار و ستیز با عقیده و آرمان اسلامی بوده و هست؛ و حتی دشمنان اسلام آنگاه که بر سر آن می‌شدند با مسلمین نبرد آغاز کنند، و بر سر زمین و محصولات و ثروت‌های اقتصادی و مواد خام و دارائیهای آنان تسلط یابند نخست می‌کوشیدند بر آنها از لحاظ عقیده وایدئولوژی مسلط گردند؛ چون بر اساس تجارب دور و درازی دریافتند تا وقتی مسلمین چنگ به عقیده و آرمان خود دارند و بر روند این عقیده می‌کوشند، و بدان پای‌بند هستند، و در برابر دشمنان، بیدار و هشیار می‌باشند نمی‌توانند از سوی چنین امتی نفعی عائد خود سازند.

به همین جهت این دشمنان و مزدوران گماشته آنها برای فریب دادن امت اسلامی و درو کردن اعتقاداتشان و ایجاد بیگانگی میان آنها و ایمان و اسلام سخت می‌کوشند تا از پس آن به هر چیزی که دلخواه آنها است دست یافته و امت اسلامی را زیر یوغ استعمار قرار دهند و در حالیکه از گزند امت احساس امنیت می‌کنند به غارت ثروتها و دارائیهای آنها دست یازند.

و هر اندازه که وسائل و طرق ایجاد تشکیکات در عقیده امت اسلامی و نیز ابزار فرسایش ایمان آنها پیشرفته‌تر و دارای کارائی مناسب‌تر باشد دشمنان اسلام این وسائل و طرق جدید و پیشرفته را برای تحقق همان اهداف کهن یعنی برای درهم کوبیدن عقیده و ایمان امت اسلامی به کار می‌گیرند؛ چون آنها همواره و از دیرباز در صدد گمراه‌سازی و منحرف کردن امت اسلامی بوده و هستند:

«ودت طائفة من اهل الكتاب لویضلونکم» (آن عمران: ۶۹):

پاره‌ای از اهل کتاب در این امید و آرزو به سر می‌برند که ای کاش شما را از راه به در کرده و گمراه سازند [تا اوضاع را مطابق دلخواه خود یابند].

این همان هدف ثابت و نیت پلیدی است که دشمنان اسلام آنرا به دل گرفته و زیر پرده سیمائی فریبا و ماسکی حق به جانب مخفی نگاه می‌دارند. لذا قرآن کریم نخست این سلاح مسموم و آلوده را - که ایمان و معتقدات امت اسلامی را سست و متزلزل می‌ساخت - از سر راه آنها برداشت، و جامعه اسلامی را به پایداری برحق - که

می باید زندگانی خود را بر مبنای آن تنظیم می نمودند - فراخواند و شبهات و شکوکی را که اهل کتاب القاء می کردند سترده و آن حقیقت باارزشی را که این دین از آن برخوردار بود متجلی نمود. و این باور و اطمینان را در جامعه اسلامی بارور ساخت که در کره زمین از حقانیت و ارزش و اعتبار برخوردارند، و این حقانیت و ارزش و اعتبار و نیز ایمان و عقیده آنها نقش مهم و مؤثری را در تاریخ بشریت به عهده دارد.

قرآن کریم امت اسلامی را از کید و نیرنگ مکاران و چاره اندیشان پلید و فریبکار بر حذر داشته، و منویات و روشهای آلوده و اهداف زیانبار و کینه های دشمنان اسلام را افشاء می کند.

این نوشتار آسمانی حقیقت و چهره واقعی قدرتها و موازین و ملاکهای آنرا در عالم هستی توضیح می دهد و به مسلمین یادآور می گردد که دشمنان آنها از نظر خداوند ضعیف و کم توان و گرفتار گمراهی و سرگشتگی و کفر و انکار کتب آسمانی و تمرد از فرمان الهی و قتل انبیاء و نابودسازی مردان خدا هستند؛ چنانکه به این امت نوید می دهد که خدا با آنها است و زمام هر گونه سلطه و اقتداری در ید قدرت او است و قریباً کفار یعنی یهودیان را به عذاب و نگونسازی و نابودی دچار می سازد همانگونه که در گذشته مشرکین را از رهگذر واقعه بدر به شکست و بدبختی و ذلت و فرومایگی گرفتار ساخت.

خدا ضمن آیاتی از سوره آل عمران - که از این پس یاد می کنیم - جهت آفرینی های یادشده را برای ما توضیح می دهد:

★ «ان الذین كفروا بايات الله لهم عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام. ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض و لافي السماء» (آل عمران: ۴، ۵):

کسانی که آیات خدا را مورد انکار قرار دادند باید بدانند که کیفر سختی در روز قیامت برای آنها تدارک شده است، و خداوند متعال چیر هو مسلط است و به سان منتقم آنها را به کیفر می رساند.

★ «ومن يتبع غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من - الخاسرين» (آل عمران: ۸۵):

و اگر کسی جویای دین و آئینی جز اسلام گردد هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و همو در آخرت از زیانکاران به‌شمار است.

«قُلْ اَللّٰهُمَّ مَالِكِ الْمَلِكِ تَوْتِي الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعِ الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَتَعَزَّ مِنْ تَشَاءُ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»
(آل عمران: ۲۶):

بگو: بارخدایا! که زمام همه قدرتها و توانائیها و حکومتها در دست تو است، تو هر که را بخواهی حکومت و قدرت می‌دهی، و از هر که بخواهی حکومت و قدرت را می‌ستانی، هر که را بخواهی عزیز و سرافراز می‌سازی، و هر که را بخواهی ذلیل و خوار می‌گردانی، تمام خیر و خوبیها در دست تو است و مسلماً تو بر هر چیزی توانائی.

★ «يا ايهاالذین آمنوا ان تطيعوا فريقاً منالذین اوتوا الكتاب یردوکم بعد ايمانکم کافرین، و کیف تکفرون وانتم تنلی علیکم آیاتالله و فیکم رسوله و من یعنصم بالله فقد هدی ائی صراط مستقیم» (آل عمران: ۱۰۰، ۱۰۱):

ای اهل ایمان! اگر گروهی از اهل کتاب را فرمان برید و طرفندهای آنانرا پذیرا گردید، شما را پس از ایمانتان به‌دوران کفر و کفر مداری رجعت می‌دهند. آنگاه شما چگونه کفرورزی را درپیش خواهید گرفت، درحالیکه آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و رسول خدا زنده است و در میان شما به‌سر می‌برد. و کسی که پیوند و ارتباط خود را با خدا استوار دارد تحقیقاً به‌راه راست راهبری شده است.

۱۰ دشمنان در کمین نشسته اسلام:

کسی که سوره آل عمران را تلاوت می‌کند و اهداف این سوره را پی‌جوئی‌نموده و آنرا می‌کاود در لابلای آن یک سلسله از نکات روشن و آشکار می‌گردد، بدین شرح:

الف - کوشش بی‌وقفه و شگرفی که اهل کتاب در مدینه و جزآن مبذول داشتند، عمق‌ترفند و نیرنگ و اسلوبهای متنوعی که در مکر خود به‌کار می‌بردند، و استخدام و بهره‌گیری از هر گونه وسیله و روش

برای متزلزل ساختن اعتقادات، و ایجاد شکاف و اختلاف و درگیری در میان صفوف مسلمین از رهگذر شبهه افکنی در میان آنها.

ب - حجم عظیم آثار و نتایج سوئی که این کوششهای مکارانه دشمنان اسلام در دل‌های مسلمین و طرز زندگانی آنها به جای گذاشت که گزارش آنها و نیز تبیین مقاطع واسلوبهای متنوعی که در این زمینه قابل بحث است به گفتگوی مفصل و گسترده‌تری نیاز دارد و این مجال را نشاید که از آنها یاد کنیم.

ج - نکته‌ای که از پس قرن‌های طولانی هم‌اکنون بازمی‌یابیم، و آن این است که دشمنان اسلام در زمان معاصر - که با دعوت اسلامی و حامیان آنها در تمام بسیط زمین رویا روی هستند - یادگار و بازمانده دیرین و به‌سان همان دشمنان کهن می‌باشند که با مسلمین زمان درگیر بوده و به‌مقابله با آنها برخاسته بودند.

به‌همین جهت اراده خدای حکیم و خبیر بر آن قرار گرفت تا این مشعل فروزان و چراغ تابان، یعنی قرآن کریم را - که دور دست‌ترین نقاط را روشن و آشکار و پدیدار می‌سازد - بر سرپا نگاهدارد تا نسل‌های آینده آنرا با پرتوی قویتر فراسوی خود گیرند و ژرفای مکائد و حیل‌های دشمنان دنباله‌روی دشمنان دیرینه این امت و آئین اسلام را شناسائی کنند.

(۱۱) خطوط سه‌گانه و گسترده در سوره آل عمران:

معرفی جامع سوره آل عمران در صورتی امکان پذیر است که ما سه خط اصلی و بنیادی را - که دارای شمول و گستره‌ای فراگیر است - در لابلای این سوره شناسائی کنیم، خطوطی که نقطه‌های تشکیل‌دهنده آن در سراسر این سوره پراکنده و به‌چشم می‌خورد؛ اما در مجموع و کل این سوره برخوردار از تجمع و تمرکز می‌باشد که می‌توان تصویری آشکار را از آن ترسیم نمود:

خط اول - عبارت از بیان معنی دین و مفهوم اسلام است. دین عبارت از هر نوع اعتقادی درباره خدا نیست؛ بلکه دین فقط عبارت از یک صورت در میان صور مختلف اعتقاد درباره خدا می‌باشد. و آن توحید مطلق است که هیچگونه تردید و ابهامی در آن راه ندارد و قاطع

و صریح است؛ یعنی توحید الوهیت و خدائی خدا که سزا است بشر فقط بدو روی آورد؛ خدائی که همه پدیده‌های هستی - اعم از حیوان و نبات و جماد - به او متکی است. پس براساس چنین اعتقادی هر چیزی وابسته به خدا است، وبدون او از هیچ قوام و دوامی بهره نخواهند داشت. به همین جهت دین و تبعیت از این یگانه مرجع می‌تواند همه شؤون زندگانی ما را زیر پوشش خود گیرد، و ما باید از رهگذر همین منبع در داوریه‌ها و پیروی از انبیائی که کتابهای آسمانی بر آنها نازل شد، به کتابی پناه بریم که از جانب خدا نازل گردید، چنین کتابی در واقع کتابی یگانه است، و این دین نیز در واقع دینی یگانه است که همان دین اسلام می‌باشد.

دین و اسلام با چنین مفهوم واقعی در نهاد مردم و نیز در طرز رفتار مسلمین به‌طور برابر اظهار وجود می‌کند. آری دین و اسلام عبارت از همان حقیقتی است که تمام اهل ایمان و پیروان انبیاء و فرستادگان خدا - همه در زمان خود - پیرامون همان حقیقت به هم می‌رسند و خود را در کنار آن می‌یابند؛ البته این در صورتی است که بگوئیم: اسلام و ایمان هر فرقه عبارت از اعتقاد به وحدانیت خدا در الوهیت و اتکاء همه موجودات به این یگانه مبدء هستی، و طاعت و پیروی و تسلیم در برابر او در تمام ابعاد زندگانی است.

سیاق و روند سوره آل عمران بر روی چنین خطی متکی است و خداوند در بیش از سی مورد از این سوره، خط یاد شده را به صورت مشخصی روشن می‌کند که ما چند نمونه از این موارد را در زیر می‌آوریم:

★ «شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم» (آل عمران: ۱۸):

خدا و فرشتگان و ارباب علم و بصیرت گواهی می‌دهند که جز او هیچ معبود دیگری شایسته پرستش نیست، خدائی که قسط و عدل را در تمام شؤون زندگانی و پدیده‌های هستی برپای می‌دارد.

★ «ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغياً بينهم و من يكفر بايات الله فان الله سريع- الحساب» (آل عمران: ۱۹):

دین از دیدگاه الهی یکی است و آن عبارت از اسلام و تسلیم بودن در برابر او امر الهی است، و اختلاف اهل کتاب درباره یگانه بودن دین - علیرغم علم و آگاهی که در اختیار آنها قرار گرفت - صرفاً از روی ظلم و عناد و درخواستهای نابجائی است که میان آنها دائر است، و از این جهت به اختلاف و ستیز با اسلام برخاستند.

★ «قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم» (آل عمران: ۳۱):

ای پیامبر! بگو: [شما یهود و نصاری که ادعا می کنید: «نحن ابناء الله واحبائه»] اگر واقعاً شما خدای را دوست می دارید و خدا شما را دوست می دارد از من پیروی کنید تا خدای نیز دوستدار شما باشد و از گناهان شما چشم پوشد که خداوند آمرزنده مهربان است.

★ «قل اطيعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين» (آل عمران: ۳۲):

ای پیامبر! بگو: از خدا و رسول فرمان برید، اگر از فرمان خدا و رسول روی گردان شوند و از آن سرپیچی کنند باید بدانند که خداوند متعال کافران را دوست نمی دارد.

★ افعير دين الله بيغون وله اسلم من في السموات والارض طوعاً وكرهاً واليه يرجعون» (آل عمران: ۸۳):

آیا آنها آئینی جز آئین خدا را جویا هستند در حالیکه آسمانها و زمین خواه ناخواه در برابر فرمان او سرتسلیم فرود آورده اند و همه به سوی او باز می گردند.

★ «ومن يتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه...» (آل عمران: ۸۵):
[توضیح این آیه قبلاً گذشت].

و نصوص فراوانی دیگر از این سوره که بر روی وحدانیت خداوند متعال پافشاری و تأکید می‌کند و نیز بیانگر آن است که اسلام - از دیدگاه خدا - عبارت از دین حق است، و دعوت همه رسولان خدا یکی است، و هدایت آنها یکی است که عبارت از دعوت مردم به توحید و تثبیت اخلاق و تشویق به فضائل و تحذیر از رذائل و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد:

«کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...» (آل عمران: ۱۱۰):

شما مسلمین بهترین امتی هستید که در میان مردم پدیدار شده‌اید؛ [چرا که] مردم را به کارهای شایسته و خوب فرامی‌خوانید، و از زشتی و بدی نهی می‌کنید و به خدای یگانه ایمان دارید.

خط دوم: خطی است که سیاق سوره آل عمران بر آن استقرار یافته و در مسیر آن جریان دارد، و آن عبارت از ترسیم چهره شخصیت مسلمین در ارتباط با پروردگار و تسلیم بودن آنها در مقابل او و تلقی به قبول راجع به هر امری است که از سوی خدا به آنها رسیده و نیز طاعت دقیق آنان از فرمان الهی است. چند آیه زیر را می‌توان نمونه‌ای از آیاتی دانست که این مطلب را گواهی می‌کند:

«... والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا و ما یدکر الا اولوالالباب. ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعاد» (آل عمران: ۷-۹):

و آنان که ریشه در علم دارند می‌گویند: ما به این کتاب ایمان آورده‌ایم و سراسر آن از سوی پروردگارمان به ما رسیده است، و تنها خردمندان و ارباب عقل و بینش هستند که از رهگذر تفکر و تدبیر در قرآن پند می‌آموزند. و همانان می‌گویند: پروردگارا! دل‌های ما را - پس از آنکه آنرا از هدایت خویش برخوردار ساختی - از حق منحرف مگردان و از پیشگاه خود رحمتی به ما عطا فرما؛ چرا که کار تو عطا و بخشندگی است. پروردگارا! تو به راستی مردم را - در روزی که وقوع و حقایق آن تردیدناپذیر است - فراهم می‌آوری حقیقتاً خداوند متعال خلف وعده نمی‌کند.

خداوند متعال از صدق و راستی ایمان مؤمنین و اتکاء و اتکال آنها به پروردگارشان سخن به میان می‌آورد، و آنگاه که در پی غزوه «حمراء الاسد» شنیدند که شمار دشمنان آنها زیاد است اطلاع آنها از کثرت نفرات دشمن - جز اینکه بر مراتب اتکاء و یقین و ایمان و اعتماد آنان به خداوند بیفزاید - اثر دیگری در قلوب آنها به جای نگذاشت. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله ونعم الوكيل» (آل عمران: ۱۷۳):

افراد با ایمانی که وقتی مردم به آنها گفتند: مشرکین به منظور شکست و نابودی شما گرد هم آئی کردند این خبر و گزارش [به جای اینکه ایمان و استقامت آنها را متزلزل سازد] برایمان آنها افزود، و به خاطر فزونی ایمان بود که گفتند: خدا ما را بسنده است و وکیل و کار گزار و حامی بهین ما است. و نیز فرمود:

«الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار. ربنا انک من تدخل النار فقد اخزینته و ماللظالمین من انصار. ربنا اننا سمعنا منادیاً ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمننا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفرنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلك و لاتخزنا یوم القیمة انک لاتخلف المیعاد» (آل عمران: ۱۹۱-۱۹۴):

کسانی که ایستاده و نشسته و آرامیده برپهلوی، خدای را یاد می‌کنند و می‌گویند: پروردگارا! این جهان را بیهوده نیافریده‌ای. خدایا تو از هر گونه نقص و عیب منزهی، ما را از کیفر و شکنجه آتش دوزخ نگاهدار. پروردگارا! آن کسی که او را به آتش درمی‌آوری تحقیقاً خوار و فرومایه‌اش گردانیدی، و برای ستم‌پیشه‌گان یار و یآوری [در روز قیامت] نخواهد بود. پروردگارا! ما بانگ منادی توحید را شنیدیم که ما را به ایمان فرا می‌خواند و می‌گفت: به پروردگار خود ایمان آورید؛ [ما به این دعوت پاسخ مثبت می‌گوئیم] مبنی بر اینکه ایمان آورده‌ایم. پروردگارا! بنابراین از گناهان مادر گذر و سیئات ما را زیر پرده رحمت خود بپوشان، و ما را با نیکان به هنگام مردن محشور بفرما. پروردگارا! آنچه را که از رهگذر

پیام رسولانت بهما وعده و نوید دادی بهما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت به خواری و رسوائی دچار مساز. تو محققاً خلف وعده نخواهی کرد.

خط سوم: خطی است که بر بستر سیاق سوره آل عمران گسترده است، و آن عبارت از بر حذر داشتن مؤمنین از دوستی نسبت به افراد بی ایمان و امر به تحقیر موضع کفار و خاطر نشان کردن ضعف و سستی پایگاه روحی آنها است.

این خط علاوه بر آنکه حقیقت یاد شده را بیانگر است این نکته را نیز گزارش می کند که ایمان به خدا و پیوند با او از یکسو، با طرح دوستی و مودت با کفاری - که از زیر بار تکالیف الهی شانه خالی می کنند و از روش آسمانی و انسانی در زندگانی خود پیروی نمی نمایند - از سوی دیگر سرسازگاری ندارد؛ آیات زیر نمونه ای از این خط گسترده می باشد:

★ لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ومن یفعل ذلك فلیس من الله فی شیئی الا ان تتقوا ویحذرکم الله نفسه والی الله المصیر» (آل عمران: ۲۸):

نباید افراد با ایمان، کفر پیشه گان را به جای مؤمنان بعنوان دوست و خود گیرند، و کسی که چنین کند رابطه خود را با ولایت و دوستی و سرپرستی خدا گسسته است و به هیچ وجه کاری خدائی نیست مگر اینکه از آنها بر حذر بوده و بپرهیزید، و یا آنکه برای اهداف مهمی تقیه کنید. و خداوند شما را از کیفر خویش می ترساند و بدانید که بازگشت همه شما به سوی خدا است.

★ «یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین. بل الله مولاکم وهو خیر الناصرین» (آل عمران: ۱۴۹، ۱۵۰):

ای اهل ایمان! اگر از مردمی که راه کفر و انکار حق را در پیش گرفته اند پیروی کنید شما را به دوران گذشته باز می گردانند و وامی دارند که به ایام جاهلیت عقب نشینی کنید و ناگزیر در حالیکه زیان و آسیب دیده گردیده اید گرفتار دگرگونی و بازگشت خواهید شد؛ بلکه خدا مولی و دوست و سرپرست شما است و همو بهترین یاورتان می باشد.

★ «لا یغرنک تغلب اللذین کفرا فی البلاد متاع قلیل ثم ما واهم جهنم و بئس المهاد» (آل عمران: ۱۹۶، ۱۹۷):

شدا آمد [و زرق و برق زندگانی] مردمی که راه کفر را در پیش گرفته اند شما را نفریبید، تمتع آنها از زخارف دنیوی، بهره و سرمایه ای است ناچیز و کوتاه مدت، و آنگاه جایگاه آنها دوزخ خواهد بود، دوزخی که باید آنرا بدترین جایگاه برشمرد.

این خطوط سه گانه - که مکمل یکدیگر هستند - در بیان اندیشه اسلامی و توضیح حقیقت توحید، و گزارش مقتضیات توحید در زندگانی انسان و نیز در مسأله احساس حضور انسان در پیشگاه خداوند و تأثیر آن در نحوه موضع گیری بشر در برابر دشمنان خداوند که پایگاهی جز دشمنی با خدا ندارند - کاملاً هماهنگ و همگام می باشند.

آیات این سوره از نظر سیاق و روند تعبیر و با توجه به موقعیت خاص زمانی از نظر نزول، زنده و آبدار و برای هشدار به مؤمنین کاملاً و عمیقاً رسا است. این آیات در لحظات بحرانی پیکار و نبرد: نبرد عقیده و جهان بینی، نبرد در عرصه کارزار، نبرد درونی و روانی، و نبرد در رابطه با واقعیات حیات و زندگانی انسان نازل شده است. به همین جهت این رصدگاه زنده و پویا توانست تأثیر و جنبش و سروشی شگرف در قلوب انسانها بیافریند؛ چرا که ما با قرآنی سروکار داریم که می تواند کوههای سربه فلک کشیده را از جای خویش برکنده و به راه اندازد، و یا مردگان را زنده کرده و به سخن وادارد؛ این قرآن از چنین موضعی با شکوه و اثر آفرین برخوردار است، از آنجهت که این نبشتار آسمانی، کتاب زندگی و نامه وجود و هستی، واثری جاودانه و فنا ناپذیر می باشد.